

تعلیم و تربیت و ادبیات

هوشنگ میرمطهری

تربیت چیست؟ و تربیت ادبی کدام است؟ و ادبیات در تربیت جدید چه نقشی داراست؟

رشد تدریجی اعمال یک عضو، و یا مجموعه‌ئی از اعضای بدن که بر اثر تمرین بسط و تکامل پیدا کند از نظر علمی به آن تربیت گفته میشود. چنین پرورشی ممکن است، بر اثر عمل شخص دیگری در انسان واقع شود، که آن تربیت بمعنی قدیمی است. و کلی‌ترین شکل تربیت و پرورش است. و نیز ممکن است تربیت بواسطه عمل خود موجود زنده واقع شود این طریق را در اصطلاح انگلیسی «پرورش خود» یا Self education گویند.

اما آنچه در تحت عنوان پرورش جوانان گفته میشود مجموعه‌ی رفتاری است که بزرگسالان و اقوام طفل آنرا تشکیل میدهند و نسبت به بچه‌های خود انجام میدهند، تا تمایلات خاصی را در آنان رشد داده و عادات معینی را در آنان بوجود آورند. وقتی تنها کلمه‌ی «تربیت» یا پرورش بکار برده میشود، «تربیت» یا پرورش اطفال انسان منظور نظر است و حال آنکه این کلمه شامل پرورشی که حیوانات نسبت به بچه‌های خود میدهند نیز میباشد، و از نظر پرورش حواس، منظور نحوه‌ی رفتاری است، که بوسیله‌ی آنها حواس رشد خاص پیدا می‌کند، و بواسطه‌ی بکار افتادن بطرز خاص بایکدیگر ضمن کار، هم آهنگی پیدا کرده عمل آنها دقت پیدا میکند، و در نتیجه در میان منظومه‌ی اعضای بدن عضوی با سایر اعضای آن، در عمل چالاکی و امکانات نو پیدا میکند. و یا مثلاً از نظر روانی یک حس بر اثر رشد خاص میتواند، منشاء ادراکات نوین و دریافت‌های تازه‌ای بشود. چنانکه دقت ادراکات پرورش یافته‌ی

يك نقاش و یا موسیقی‌دان یا نویسنده مسلماً با ادراکات همین شخص قبل از اینکه بمنظور موسیقی و یا نویسندگی یا نقاشی پرورش یافته باشد، تفاوت فاحشی دارد. در هر صورت هیچ تعلیم و تربیت صحیحی نیست که عقل و جسم هر دو را رشد ندهد.

هدف تربیت :

تربیت عقل و جسم و بطور ساده، تعلیم و تربیت بطور کلی باید شخص را چنان بی‌پرورد که چیزهایی را خوب بداند، یعنی خوب بشناسد و چیزهایی را خوب بتواند انجام دهد و ایت‌هد، در کتاب‌آمال تربیت میگوید:

در سیستم ملی تعلیم و تربیت سه روش عمده لازم است که عبارتند از :

۱ - برنامه های ادبی

۲ - برنامه های علمی

۳ - برنامه های فنی

اما هر يك از این سه برنامه باید شامل دو برنامه‌ی دیگر باشد. منظور اینست که هر گونه تعلیم و تربیت باید بشاگرد، فن و علم و مجموعه‌ای از «عقاید» و «افکار کلی» و «ادراك زیبایی» بیاموزد و هر سوی پرورش شاگرد در نور دیگر جوانب آن بدرخشد.

البته همواره نسبت بیکی از برنامه‌ها تاکید بعمل می‌آید.

مستقیم‌ترین تربیت زیبایی طبعاً در برنامه‌ی فنی واقع میشود و آن در موردی است که پرورش مزبور شرط پیشرفت در هنر یا حرفه‌ای باشد. «چه یکی از عناصر زیبایی‌مهارت در فن است»

اما در هر دو مورد، تعلیم و تربیت و تربیت ادبی و علمی اهمیت بسیار دارد.

«ادبیات و تسریع تولید»

«بعضی برای ریاضیات ارزش فوق‌العاده قائلند و بر نامه‌ی ادبی را بنظر حقارت می‌نگرند» و حال آنکه فکر بشر بدو صورت داوری یا قضاوت و تصدیق - و یا عدد بیسان میشود، بطوریکه در اکثر زبانها شمردن و صحبت کردن يك ریشه دارند چنانکه در فارسی میگوئیم.

محاسن او را بر شمرد و فلان عدد را شمرد، و در فرانسه Raconter بمعنی حکایت کردن و Conter یا Compter بمعنی شمردن است - مثلاً در اصطلاح فرانسه Compter tous les pas de quelq'un

تمامی قدمهای کسی را شمردن - بمعنی یکایک اعمال او را از نظر دقت خاص گذرانیدن و این عبارت عیناً در فارسی همین معنی را میدهد. و در آلمانی Zahl بمعنی عدد و بمعنی زبان هر دو آمده است و در انگلیسی نیز در این جمله شکیسر «شمردن» یعنی «دیدن» یا قضاوت کردن آمده است.

I Count my self in nothingelse So happy
As in a soul remembering my good friends

یعنی هنگامی که در روح خود یاد دوستان خوب خود می‌افتم، خود را چیزی نمی‌شمرم. چنانکه فردوسی فرمود :

به گیتی نباید ترا یار جست بی آزاری و مردمی یار تست
 و سبب می‌گفت: بهترین دوست ما شرافت و فضیلت ماست، و اگر بفارسی صحیح تر بخواهد جمله شکسپیر ترجمه شود باید چنین گفته شود، آن‌دم که یاد دوستان خوب خود می‌افتم از شادی خویشتن را فراموش می‌کنم که خود را فراموش کردن نیز همان خود را بی‌چیزی نگرفتن است یا دریک لحظه خود را بشمار نیارودن است. و یاد فارسی می‌گوئیم ایام فراغت و خوشی با دوستان را نمیتوان بشمار عمر آورد. یعنی مصاحبت با آنها را چون چون گذشت عمر قضاوت کرد. و حسابش درست نیامد یعنی درست قضاوت نکرد و یا برعکس حسابش درست درآمد یعنی صحیح قضاوت کرد. و در قرآن اکثر «حسب» بمعنی شمر دیا «حساب بمعنی شمردن» بمعنی داوری هم آمده است.

لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله. امواتاً - سوره ۳ آیه ۱۸۸

آنانرا که در راه خدا کشته شدند مرده میندازید...

یا بحسبه الظمان ماء سوره ۲۴ - آیه ۲۹ - عمل آنانکه کافر شدند همچو سراپی است که تشنه آنرا آب «میشمرد». یعنی می‌پندارد و قضاوت می‌کند.

و یا «ولا تحسبن الله غافلاً» سوره ۱۶ آیه ۴۲ خدا را غافل میندازید...

یا مشمردید... و حاسبوا قبل ان تعاسبوا - بمعنی اینکه از خود حساب بگیری یعنی درباره خود بیاندیشید و خود را مورد بررسی قرار دهید، و موجب شگفتی نیست که اگر در دائرة المعارف فرانسه ریاضیات و منطق و زبان را دریک مجلد تحت عنوان ابزار عقلی آورده است *ouillage mentale* آورده است و نیز همان مؤلف آمال تربیت گوید :

ادبیات و هنر فقط تأثیر غیر مستقیمی بر کار مایه‌های عمده‌ی زندگی ندارند، بلکه مستقیماً موجب بسط و سه نظر میشوند. با کمک ادبیات و هنر دنیائی بسیار فراختر از ماحصل حواس ظاهری گشوده میشود.

در هنگامه‌ی تصادم ملت‌ها. و نژادها که نتیجه‌ی آن بالمآل در کارگاه‌ها تعیین خواهد شد نه در نبرد گاهها، پیروزی از آن فریقی خواهد بود که برخزائن کارمایه‌ی عصبی تربیت یافته‌تری احاطه دارند که در اوضاع و احوال مساعد بارش معتدل و همه‌جانبه‌ای به کار مشغولند، و یکی از آن شرایط لازم هنر است.

دانشمند مذکور قدم‌ازین فراتر گذارده گوید :

تسریع تولید بدون کارگرانی که تجدید قوا کرده باشند خط‌مشی اقتصادی شومی است و گوید :

درین جاست که ادبیات و هنر در ملتی که تشکیلات آن مقرون سلامت باشد باید تأثیر خود را نمایان سازد.

خدمت هنر و ادبیات به تولید اقتصادی از حیث اهمیت فقط بعد از غذا و خواب است.

باز هم او گوید :

این چه گفتیم درباره‌ی تربیت هنرمند نیست . بلکه آنچه گفتیم درباره‌ی استفاده‌ی از هنرمند بعنوان عامل لازم زندگی سالم است و باید بگویم :

هنر در زندگی فکری مشابه خورشید است در جهان مادی

و در همین بخش از کتاب خود این دانشمند اشاره میکند .

روش تعلیم و تربیت برنامه‌ی ادبی مطالعه زبان است . یعنی مطالعه‌ی عادی ترین روش انتقال احوال ذهن بدیگران ، اما فنی که باید فرا گرفته شود فن بیان شفاهی است . و علمی که باید آموخته شود مطالعه‌ی ساختمان زبان و تجزیه و تحلیل روابط زبان و احوال ذهنی است . که بدیگران انتقال داده میشود . ازین گذشته روابط لطیف زبان با احساس و توسعه عالی دستگاههای حسی که الفاظ نوشته شده و تلفظ شده خوش آیند آنهاست بدریافت های دقیق زیبایی منجر میگردد . که بواسطه‌ی بکار بردن توفیق آمیز زبان بیدار میشود و بالاخره خورد در جهان همان شاهکارهای تلفیق زبانی حفظ شده اند چنانکه عالیترین تعالیم . روحی و کلمات الهی را که شنا بخش روح ما در بزرگترین آلام روحی و طوفانهای مصیبت زای زندگی است . از طریق زبان تعلیم میشود .

دنباله در شماره آینده



دخترک و دندانساز

سخت، چندانکه غیرت پدرش،
بار نزدیک گوشه‌ جگرش .
راه وصلش گزینم و خطرش
کرده خواهم که برکشم ببرش
روم و حلقه بر زخم پدرش
دوخته بر دهان من نظرش
زندم تا ز درد نیشترش
بازوان حلقه‌وار برکمرش

جور دندانپزشک دختم نیست
که بجز دردمند را ندهد
من از آن ماهروی نشکیم :
هر زمان کارزوی دیدارش
درد دندان کنم بهانه‌ خویش
بگشاید در و به پیش آید
بر نشاند بصدل و دوسه نیش
در فغان آیم و فشارم سخت

دکتر علی اصغر حریری - پاریس